

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

نویسنده: زنده یاد دکتر عینعلی بنیاد  
بازتایپ و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی  
۱۵ دسمبر ۲۰۱۴

پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!

خلقهای اسپر و ستمکش جهان متحد شوید!

## تاریخچه مبارزات سیاسی گذشته (از سردار هاشم تا یوسف سردار شده) ۳

### دوره حکومت شاه محمود و تأثیر اوضاع بین المللی جهان بالای جنبشهای سیاسی افغانستان

مترافق با دوران حکومت شاه محمود اوضاع بین المللی جهان را نظر انداختیم حالا به اوضاع داخل افغانستان می پردازیم.

بعد از دوران حکومت ترور و اختناق سردار هاشم کاکای شاه، شاه محمود کاکای دیگر شاه به ریاست کابینه انتصاب گردید و این انتصاب رئیس کابینه از خاندان سلطنتی را قانون اساسی آن وقت نیز مجاز می شمرد.

کشور نیمه فیودالی و نیمه مستعمره افغانستان در زیر شرایط اوضاع بین المللی که تذکار یافت نیز به تغییرات سیاسی دچار گردید و مترقباً با جنبشهای آزادیبخش کشور های مستعمره و نیمه مستعمره و نیمه فیودالی در افغانستان نیز جنبش های روشنفکران و صدا های آزادیخواهان و مشروطه خواهان نظر به شرایط مشخص آنزمان به ظهور رسید.

اما از آنجائی که عناصر مترقی با اندیشه های پیشرو انگشت شمار بودند سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی در کشور وجود نداشت که البته با این امر اختناق حکومتها و سانسور مطبوعات دولتی نیز ضمیمه می شود، بنابراین جنبشهای بین المللی کمونیستی و خصوصاً جریان دو واقعه بزرگ تاریخی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ و پیروزی انقلاب دموکراتیک و ملی در چین ۱۹۴۹ در افغانستان به پیمانۀ وسیعی در آن زمان انعکاس نیافت اما با آنهم تغییرات عمیق اوضاع بین المللی جهان به حیث شرط خارجی بالای بنا های داخلی اوضاع مشخص محیط ما بدون تأثیر نمانده است.

چه درفش مبارزات دلیرانه و فداکارانه جوانان و مردان دموکرات دیروز که پایه اساسی مبارزات امروزیست بیانگر این امر است.

از آنجائی که فعالیت اقتصادی تاجران دلال با پیوند روزافزون آن با سرمایه جهانی بیشتر می شد و کالا های خارجی بازار های مرکز و ولایات را استیلا می کرد و طبقه حاکمه نیز با آنها منافع مشترک سیاسی و اقتصادی پیدا کرده بود و آنها را یکی از تکیه گاه های سیاسی و اقتصادی خود می دانست، بنابراین دولت افغانستان از یک طرف ناگزیر بود به جهت بسط فعالیت و رفع موانع از راه صادرات و واردات کمپرادور ها دست به یک سلسله ریفورمهای بزند که با

روحیه "لیبرالیستی بورژواالیبرالها" و کمپرادورها هم آهنگ باشد و از طرف دیگر به منظور رفع نارضایتی های مردم ناشی از وضع فلاکتبار زندگی شباروزی، فقر و بدبختی و بیکاری زحمتکشان شهر و ده و دهقانان و غیره مصیبتهای خانمانسوز بی دوائی و بیدرمانی که باعث تحریک جوانان و روشنفکران آنزمان شده بود، دولت مجبور شده بود که به اصطلاح روی نیازمندیهای مبرم جوانان و روشنفکران نیز "توجهی مبذول دارد" و بنا بر مبارزات پیگیر عناصر دموکرات تا اندازه ای به رفع قیودات گفتار و بیان آزادی انتخابات و آزادی جراید ملی بپردازد.

شاه محمود حکومت خود را "حکومت دموکراسی" اعلان کرد و مترافق با آن "آزادی مطبوعات ملی" را به روشنفکران و عناصر دموکرات و اصلاح طلبان مژده داد. آرزو های عناصر دموکرات آنوقت روی حکومت دموکراسی شاهی مشروطه، آزادی بیان مطبوعات، اجتماعات سیاسی و تشکیل احزاب سیاسی می چرخید و آنها سعی می ورزیدند تا در برآورده شدن اهداف فوق مبارزه نمایند.

اوضاع کارگران در بعضی کارخانه های نساجی پلخمیری و فابریکه های برق و فابریکه های بغلان، حجاری و نجاری کابل فوق العاده طاقت فرسا بود. دهقانان از طرف زمینداران به شدید ترین وجه ددمنشانه استثمار می گردیدند. خلص کلام کارگران، زحمتکشان کارگاههای دستی مرکز و ولایات به طور عموم از هر گونه حقوق سیاسی و مدنی محروم بودند و با یک عمر کوتاه زندگی نیمه جان خود را سپری می نمودند.

در محاکم سرتاسر افغانستان هیچ گونه استقلالی وجود نداشت. قضات در تمام ولایات و مرکز افغانستان به مانند حکام و علاقه دار و ملک و مأمور مالیه بیداد می کرد. در اوضاع ناگوار معارف آنزمان دولت برای آن که مردم را به چنگال فاشیستی خودبکشند و سیاست تفرقه اندازی بین ملیتها را تقویت کند متون درسی مکاتب را به پشتو برگردانید و با کارخانه لغت سازی طبقاتی خود (پشتو تولنه) عملاً ضربات مدهشی بر فرهنگ مردم پشتون زد و این همگی خود زبان پشتو را در نزد عوام الناس مانند هیولای سیاهی جلوه گر ساخت. (...)

طور مثال معلم فارسی زبان کتابهای درسی پشتو شده را برای متعلمان ترکی زبان تدریس می نمود و فی علیهذا، فارغ التحصیلان محدود از مکاتب استقلال، نجات، حبیبیه و غازی در مرکز و از مکاتب عالی اطراف و ولایات صرف فارغ التحصیلان دوره های اول و دوم آن شامل پوهنتون (یونیورسیتی) شده بودند. در پوهنتون صرف فاکولته طب، ساینس، حقوق و ادبیات وجود داشت که تعداد مجموعی محصلان از ۵۰۰ نفر به شمول لیلیه تجاوز نمی کرد. از مکاتب نسوان، لیسه زرغونه و ملالی در مرکز (کابل) فارغ التحصیل عرضه کرده بود که به حیث معلمه در همان لیسه و یا در دیگر مکاتب ابتدائی شهری مشغول کار بودند و تمام مکاتب دختران به نام "مستورات" مسما بود. صنوف بلند آنها به مانند زنان چادری پوش کابل مستور بودند.

یکی از دختران افغان در شماره چهاردهم جریده ملی انگار در سال ۱۳۲۹ در باره "وضع زنان افغان" مقاله ای به دست نشر سپرد و در آن چنین نوشته "اگر بشماریم امروز در تمام وطن ما تعداد زنان و دختران با سواد به ده هزار نمی رسد و عده زنانی که دارای تعلیم اساسی اند دو سه صد نفر بیشتر نیست" در جای دیگر می نگارد "همه قبول خواهند کرد که اگر بگویم زن در افغانستان فاقد هر گونه حقوق و آزادیست... ما همه می دانیم که در بعضی نقاط افغانستان خانها و بیگهای متمول سه الی چهار زن دارند... زیرا آنها پول دارند و به قوت آن دهان اعتراض همه را خاموش می سازند... زنان از تمام حقوق اجتماعی مانند شمول در انتخابات، اجرای وظایف رسمی اجتماعی و غیره محروم اند." (از ماگه رحمانی)

**به وجود آمدن اتحادیه محصلان :**

تضاد در بین اقشار و طبقات حاکمه و تاجران دلال از یکطرف و ظلم و ستم ملاکان و مستبدین محلی بالای دهقانان و قلت مواد غذایی، گرسنگی و صعود نرخها و هزاران نوع ترور و اختناق در داخل کشور از طرف دیگر و انگیزه های جنبشهای آزادیبخش جهان از خارج همه و همه رویهم در اوایل سال ۱۳۲۹ به صورت آشکار در محیط فاکولته ها و مکاتب جنبشی را ایجاد کرد که تشکیل اتحادیه محصلان یکی از مظاهر آن بود. اما از آنجائی که طبقه حاکمه افغانستان همواره کوشیده است که در درون هر جنبش رخنه کند و توسط داخل کردن نمایندگان خود سعی فراوان به خرچ دهد تا جلو هر جریان سیاسی را خود شان به دست داشته باشد، بنابراین "لیبرالیستهای" دست راستی و فرزندان صاحبان امتیاز و چاکران دولت با احساسات سرشار خود را به مثابه بنیانگذاران این جنبش در صحنه ظاهر ساختند. این صحنه پردازان مشهور عبارت بودند از اسحاق عثمان، حسن شرق، محمد عیسی "گشتالت"، واحد سرابی، سید احمد میوند، عظیم صابر "کازمی"، حمایت الله یوسفی "یونس سرخابی"، محمد فاضل، لطف الله. چنانچه پسانتر به کلی هویدا شد که آنها می خواستند از این جنبش محصلان به نفع دولت استفاده به عمل آورند. آنها روی تشکیل اتحادیه در هر جای تبلیغ می نمودند، گاهی در مکتب نجات و گاهی در مکتب استقلال تشکیل جلسه می دادند و از هر کس تقاضا می نمودند که باید مرانامه ای نوشته شود که با اساسنامه پوهنتون موافق باشد چنانچه در جمله مرانامه نویسان اتحادیه "واحد سرابی" نیز شامل بود که در آن وقت بعد از فراغت از مکتب به حیث ترجمان المانی در لیسه تجارت مشغول کار بود. همچنان از قشر پائین متوسط الحال جامعه نیز بعضی جوانان شرکت داشتند اما از آنجائی که بازار مجلس بازان و جوانان مغرض و شارلاتان گرم بود، هر چند فعالیت آنها روی پافشاری در منافع مردم بی تأثیر نماند، اما باز هم در آنوقت از ایشان کمتر سخنی در میان بود.

بعد از تصویب مرانامه و جر و بحث طولانی در باره آن دست به تشکیل کمیته ها زده شد. در هر فاکولته انتخابات صورت گرفت تا یک یا دو نماینده در مرکز اتحادیه محصلان بفرستند زیرا اتحادیه محصلان دربرگیر تمام محصلان فاکولته ها می شد. کمیته ها در مرکز اتحادیه محصلان عبارت بودند از: کمیته ادبی، کمیته اداری، کمیته انضباطی و کمیته سپورتی.

تصویب قرائت مقالات از طرف کمیته ادبی صورت می گرفت. تشکیل کنفرانسها، اداره و تمام ترتیبات آن از طرف کمیته اداری و دیگر مقررات انضباطی به کمیته انضباطی مربوط می شد.

مرکز کمیته های چارگانه اتحادیه محصلان در یکی از آپارتمانهای حصه اول جاده میوند در نزدیکی های شرکت زمینس فعلی قرار داشت.

بعد از چند وقت آوازه فعالیت و سخنرانی ها، تشکیل کنفرانسها و نمایش و درام اتحادیه محصلان (وحدت ملی) سراسر کابل را فرا گرفت. تشکیل کنفرانسها و نمایش و درام در صحنه تمثیل واقع مکتب استقلال (تعمیر سابقه) صورت می گرفت. یکی از سخنرانهای اتحادیه محصلان (میر علی احمد شامل) به نام "بلبل اتحادیه" مسما شده بود.

بالاخره آهسته آهسته اداره از دست فعالان مغرض اتحادیه محصلان خارج گردید و توجه سخنرانی ها به نیازمندیهای مبرم آنزمان و زندگی فلاکتبار مردم و انتقاد از حکومت به سر اقتدار معطوف گردید. حتا اوضاع به نفع مردم طوری دگرگون شد که خود فعالان اتحادیه که نام آنها را در بالا ذکر کردیم در صدد از میان برداشتن اتحادیه گردیدند.

نقش سخنرانی داکتر محمودی فقید در شهرت اتحادیه محصلان فوق العاده زیاد بود چنانچه در یکی از کنفرانسهای اتحادیه محصلان راجع به قرارداد خانانان دولت افغانستان همراه کمپنی موريس امریکا بیانات مستدلی ایراد کرد که به مقام اتحادیه محصلان دوچندان افزوده شد و از این پس دامنه شهرت اتحادیه محصلان از ساحه فاکولته ها و مکاتب پا فراتر نهاده بود. سخن کوتاه که سخنرانی محمودی فقید درجوشاوش جنبش محصلی، سر آغاز مبارزه علیه امپریالیسم امریکا را در جنبش محصلی کشور.

